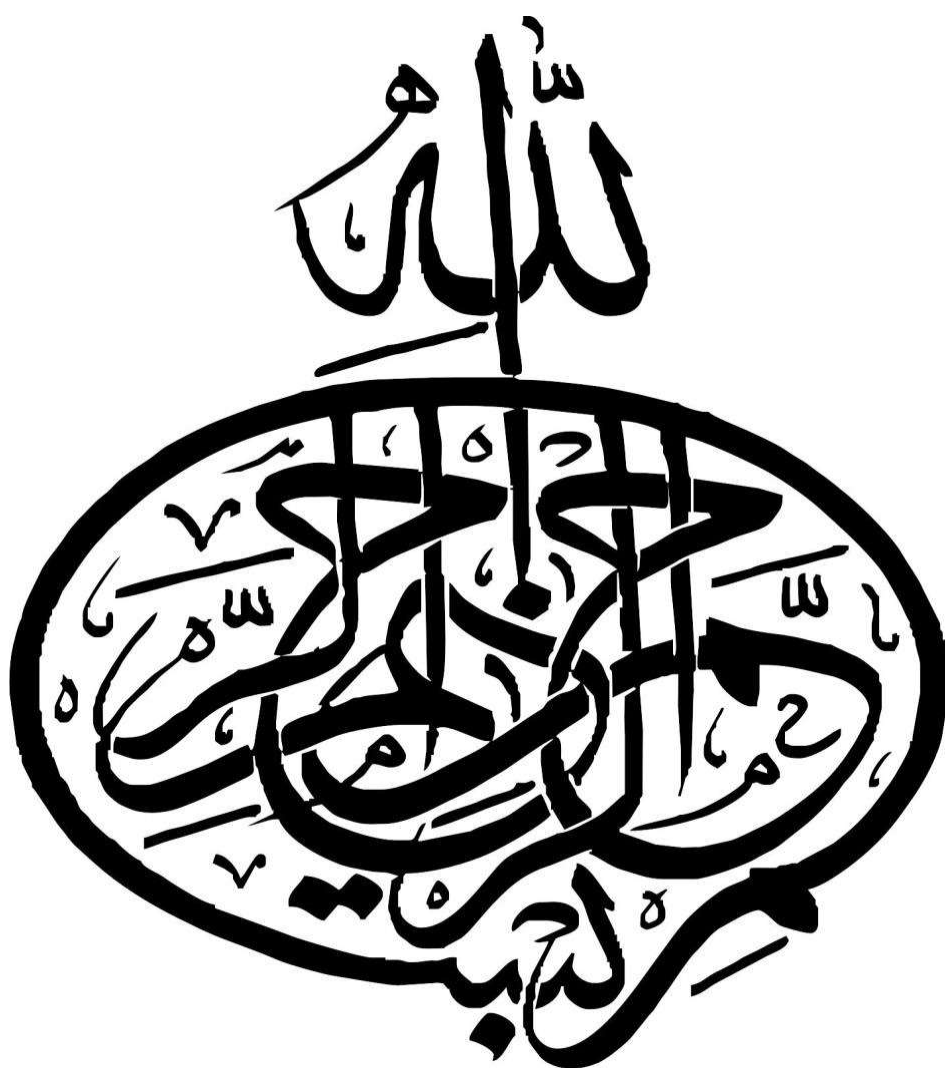




وصال در حریم عشق

نویسنده: شهناز محمدیاری

سرشناسه: محمدیاری، شهناز، ۱۳۴۲

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر: کرج، سیادت، ۱۴۰۴

مشخصات ظاهری: ۱۷۸ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۲۱۰-۲۲-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه:

موضوع:

موضوع:

رده بندی کنگره:

رده بنده دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

انتشارات ۰۹۱۲۰۲۸۵۵۲۷ - ۰۹۱۲۶۶۷۰۶۳۵ - ۰۴۲۷-۰۲۶۳۴۵۴

وصال در حریم عشق

نویسنده: شهناز محمدیاری



نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۴

ویراستار: علی علیپوری

ناظر فنی چاپ: ناشر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حق هر گونه چاپ و انتشار محفوظ است.

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ تومان

Siadat.nashr@yahoo.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان مطالب
۷	 مقدمه
۱۰	 فصل اول: سفر به انتهای مرز و بوم معرفت و خداشناسی
۲۸	 فصل دوم: قدم نهادنِ جان از روضه‌ی رضوان تا جَنَّة البقیع
۴۲	 فصل سوم: سیر و سلوک عارفانه در مدینه النَّبی
۵۴	 فصل چهارم: از عِطر مدینه به شوق طواف یار به سوی مکه
۸۰	 فصل پنجم: سیر عارفانه در بقاعِ متبرِّکه ی مکه؛ از زمزمه‌ی ابراهیم (ع) تا شهود زمانِ درس‌رزمین و حی
۹۸	 فصل ششم: تجلّی افاضه و گام‌های سلوک به سوی عرفات
۱۰۵	 دل‌نوشته‌های شب عرفه
۱۱۷	 فصل هفتم: کوچ به مشعر (مزدلفه) و منا میعادگاه عاشقان
۱۲۶	 خاطره‌ای ماندگار از باران و رگبار عصرگاهی روز عید قربان
۱۲۹	 فصل هشتم: کوچ از منا تا حریم دوست
۱۳۹	 طوافی به رنگ عشق و بندگی
۱۴۴	 نجوای اشک با چاه زمزم
۱۴۷	 حکمت زائرِ خانه‌ی خدا شدن
۱۵۳	 فصل نهم: پرواز روح از آشیانه‌ی اَمَن
۱۵۷	 فصل دهم: تحقّق چهل روز وصال در وادی معرفت؛ حاملِ نور
۱۶۳	 فصل یازدهم: عروج دل از وادی نور و قلبی که در کعبه ماند
۱۶۷	 فصل دوازدهم: آینه‌ی دل در وطن؛ تجلّی نور پروردگار پس از سفر
۱۷۰	 مناجاتی با خالق یکتا
۱۷۱	 آخرین کلام: سخنی با خواننده خاطراتم
۱۷۳	 فصل سیزدهم: عکسها و تصاویر

سپاس و تقدیم

سپاس و ستایش، خدای را که دعوتش نسیم شد و دلم را به حریم امن خویش گشاند؛
خدایی که نامش آغاز هر قدم بود و یادش پایان هر اشک،
او که مرا خواند، نه از سر لیاقت من، بلکه از دریای کرم بی کرانش،
و اجازه داد در سرزمین نور، میان زمزمه‌ی «لبیک»، خودم را دوباره پیدا کنم.
بارالها... این سطرها، قطره‌ای ناچیز از دریای حضور توست؛ قبول فرما، چنان که قدم‌های
لرزانم را در حریم خانه‌ات پذیرفتی.
سلام و درود بر ساحت مقدس امام زمان، حضرت ولی عصر (عج)،
آن خورشید پشت ابر، که امید دیدار و روشنی راه هر زائر است.
ای امام مهربانم...
اگر تو نظر نمی‌کردی، چگونه دل خاکی من، هوای آسمان حرم می‌کرد؟
این سفر بی تردید، از دعای پنهان تو جان گرفت.

سپس با نهایت مهر و امتنان،

تقدیم به خانواده‌ام،

همراهان تمام مسیرهای زندگی‌ام،

که دعایشان بدرقه‌ی راهم شد و صبوری‌شان، آرامش سفرم، و هر دلگرمی که در وجودم جاری شد
ریشه در محبت آنان داشت. این دفتر، نه از شرح حکایت من، که از روایت دلتنگی بنده‌ای است
که به مهمانی خداوند دعوت شد.

باشد که به درگاهش مقبول واقع گردد و امید است که پایان سلوک نباشد و لیکن آغاز تشنه‌تر
شدن؛ و این اشتیاق خانه‌ی تو، روزی مرا بار دیگر به سوی کعبه عشق رهنمون سازد، تا شاید این
بار، دل آواره‌ام در طواف تو دوباره آرام گیرد. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ ...**



مقدمه

با نام خداوند حکیم، قلم در دست می‌گیرم تا دل نوشته‌هایم را بنگارم؛ مطالبی که از سفری مذهبی نشأت گرفته‌اند و بازتاب آرمان و آرزوی هر انسان عاشق برای رسیدن به پرودگار یکتاست. امروز به خودم جرأت و شهامت داده‌ام در مسیری قدم بگذارم که بزرگانی چون «ناصر خسرو، دکتر علی شریعتی و جلال آل احمد و امثال آن‌ها...» پیموده‌اند و سفرنامه‌های تاریخی و یا مذهبی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

هر چند نسل کنونی با این حضرات ملاقات نکرده‌اند، اما با مطالعه‌ی آثار مردان و زنان بزرگ تاریخ ادوار مختلف، موجب برقراری ارتباط با اندیشه، هنر و نوشته‌هایشان می‌گردد و صمیمیت و عطوفت را در آن‌ها ایجاد می‌کند. هر نوشته‌ای ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ چه متعلق به نویسنده یا شاعر، مترجم، یا پژوهشگر باشد. به هر حال، خواننده را به یک وادی مثبت سوق می‌دهد. قصد ندارم این حقیر را با بزرگان قیاس کنم. اما از توان افکار و تجارب درونی‌ام هر آنچه برآید می‌نگارم.

آیه‌ی ۲۸۶ سوره بقره مصداق بارز بیانانتم است، آنجایی که می‌فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَ سَعَهَا» خداوند به هر کس، تنها به اندازه‌ی توانش تکلیف می‌دهد. "بنده هم در مقایسه با اساتید مجرب، خودم را این‌گونه محاسبه می‌کنم و هر آنچه را که در این سفر از ذوق قلبی و ذهنی و یا تخیلاتم نشأت می‌گیرد، قصد دارم به رشته تحریر درآورم.

یکی از ویژگی‌های سفر آن است که تجربه‌ی ناب می‌آفریند و انسان را ویژه می‌پروراند. "به قول شاعر، سعدی شیرازی:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی

انسانی که دل به راه می‌دهد، با سیر و سیاحت، می‌بیند و کاوش و جستجو می‌کند، همه‌ی لحظات برایش لذت‌بخش است. البته اگر جز پای بدن با پای دل این طریق را برگزیند.

به نکته‌ای در این باب اشاره می‌کنم؛

«پای تن ره به سفر می‌برد، لیک دل است آن که مسیر آورد.»

پس نتیجه می‌گیریم که این سیر و رَوَند به ذوق و علاقه و معرفت فرد برمی‌گردد. شخصی که با دل پر شور و سر سبز، دنیای کویری را برای سفر انتخاب می‌کند، شاید او در آن عالم خاکی چیزی را می‌بیند و در می‌یابد که برای من نوعی، بیگانه است. هر فردی خداوند را به گونه‌ای و در شرایط خاصی در وجود خود احساس می‌کند. مثلاً یک خلبان هنگام پرواز در اوج، به نوعی کرامات الهی دست پیدا می‌کند که گستره دید او با یک کاوشگر زمینی متفاوت است. در یکی از دروس عربی، مطلبی را تدریس می‌کردم، از گفتگوی یک مورچه با زنبور عسل. مورچه در کنار پای یک انسان حرکت می‌کرد به تصور این که یک ستون قوی و بزرگ در کنارش است. در حالی که زنبور با دید وسیعی که از اطراف و افق بالا داشت، هر چیزی را در جایگاه خودش می‌دید و می‌توانست واقعیت را دقیق‌تر بیان کند. شناخت و درک انسان هم به زاویه دید و گستره‌ی نگاه او در جنبه‌های مختلف وابسته است. اگر فردی، دوراندیش‌تر باشد، توانایی ذهنی او فراتر می‌رود. همین توانایی فکری، باعث رشد معنوی و علمی او خواهد شد. موضوع دیگری که در سفر کردن باید مطرح شود، تعامل بر قرار کردن با افراد و یا گروهی است که تا کنون با شیوه‌ی زندگی آن‌ها آشنا نیستیم ازجمله: اعتقادات و نحوه‌ی معاشرت با آن‌ها، بهداشت، تغذیه و نظم در امور و خیلی از موارد دیگر. به همین مقدار بسنده می‌کنم. پس باید در این مسیر به ناچار همه فرهنگ‌ها را تجربه کرد. از همه مهمتر، انس گرفتن با محیطی که باید آنجا زندگی کرد. جدا شدن از خانواده و عزیزان و علائق و روزمره‌گی‌ها و حتی از عادات متعدّد و دل‌کندن از آنها و در نهایت با علاقه‌مندی کامل جهت رسیدن به هدفی عالی؛ به سرزمین دیگر برای مدت زمان محدود دور شدن است. هدف افراد در هر سفر، متفاوت است. برخی تجارت و مادی و برخی دیگر معنوی و گاهی هدف مسافر، آشنایی با فرهنگ و هنر از قومیت‌های آن کشور یا سرزمین

است، که برای تحقیق و تفحص به این مسیر قدم می‌نهد. گاهی هم هدف برای تبلیغ دین و انتقال عقاید اسلامی به سایر سرزمین‌ها است.

از مسیر خاطره دور نشوم. نوشتار بنده بیشتر احساسی و تفکرات ذهنی و معنوی است و ابعاد تاریخ اسلام را نیز در بردارد. یک موضوع مهم دیگری که باید به آن اشاره کنم این که در گذشته، سفر کردن با رنج و مشقت همراه بود و زمان زیادی به آن اختصاص می‌دادند. شاید حتی برای رفتن به یکی از شهرهای کشورمان، مثل مشهد در زمان‌های خیلی دور، چند روز به طول می‌انجامید. یا برای مکه و کربلا رفتن چند ماه طی طریق می‌کردند تا به مقصد برسند. سفر به هر کشور و یا شهرهای دیگر به همین سادگی که حالا می‌بینیم نبود. اکنون اطمینان خاطر و امنیت مسافر از جهات مختلف بیشتر شده است.

مهم‌ترین موردی که در حال حاضر دغدغه چندان برای آن وجود ندارد، یکی: تغذیه سالم و دیگری: مبحث پزشکی و دارو هست. برای افرادی که شرایط خاص داشته باشند و یا حتی اشخاصی که در صحت و سلامت هم به سر می‌برند، ضرورتاً به دارو نیاز پیدا می‌کنند. اما در گذشته شاید با یک بیماری مختصر افراد جانشان به مخاطره می‌افتاد. موضوع مهم دیگر، ارتباط رسانه‌ای است که به راحتی از حال و احوال مسافر می‌توان با خبر شد. این امکانات در اعصار و دوران گذشته وجود نداشت. شاید نامه‌ای ارسال می‌کردند، مدت زمان زیادی طول می‌کشید تا به دست فرد مورد نظر برسد. مطالب در این باب بسیار است بنده به همین مقدار بسنده می‌کنم. و امیدوارم به لطف و عنایت حضرت حق، همه‌ی آرزومندان زیارت خانه‌ی خدا به آرزویشان برسند و از ثمرات بی‌بدیل این سفر معنوی بهره‌مند شوند.